

پژوهشی پیرامون "اعلامیه اسلامی حقوق بشر"

تقریباً هر سال طی نوشته ای از "اعلامیه جهانی حقوق بشر" که به تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ م صادر گردیده، یاد آوری به عمل می آورم، امسال خواستم به همین بهانه "اعلامیه اسلامی حقوق بشر" را به معرفی بگذارم، اگرچه که تاریخ صدور "اعلامیه اسلامی حقوق بشر" با تاریخ صدور "اعلامیه جهانی حقوق بشر" متفاوت است زیرا اعلامیه اسلامی تقریباً ۴۱ سال دیرتر از اعلامیه جهانی، اصدار یافته است.

لازم به تذکر است که در این تتبع صرف نظرات محققان، حقوقدانان، موارد و مطالبی که برای معرفی و شناخت این سند مهم، لازم بوده است، گرد آوری شده است بدون تصرف در متن نظرات دیگران و بی آنکه نقاط نظر شخصی این قلم در آن گنجانیده شده باشد.

در فهرست "حقوق بشر در اسناد بین المللی" سند مهمی وجود دارد که کمتر به آن آشنایی صورت گرفته است و یا این سند شاید کمی ناشناخته مانده باشد، در حالیکه اسم آن در ردیف اسناد حقوق بشری درج بوده و از سوی یک موسسه بین المللی (کنفرانس کشور های اسلامی) تصویب نیز گردیده است، این سند چگونه و در چه مسیر و حالاتی تصویب شد...؟ در سال های دهه ۸۰ بعضی از ممالک اسلامی نظیر جمهوری اسلامی ایران، سودان و عربستان سعودی، انتقاد های بر "اعلامیه جهانی حقوق بشر" داشتند؛ بدین شرح که محتوای مفاد آنرا جانبدارانه و به نفع غربی ها بازشناسی می نمودند. حتی عده ای مدعی بودند که اعلامیه جهانی حقوق بشر یک پدیده غربی است، نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۱ به ارزش های مندرج اعلامیه جهانی حقوق بشر اعتراض نموده و آنرا پدیده مسیحیان و یهودیت خواند. در مشاجرات لفظی و ایدئولوژیک آن زمان "جنگ سرد" میان بلوک شرق (شوروی سابق، متحدین او، چین کمونیست و...) که با غرب رقابت و مبارزه ایدئولوژیک را به پیش می بردند، تقریباً عین انتقاد را بر اعلامیه جهانی حقوق بشر وارد میکردند.

اما برخی از دانشمندان سیاست شناس و حقوقدان، منبعه و سرچشمه اینهمه انتقاد ها بر علیه اعلامیه جهانی حقوق بشر را اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی تشخیص می نمودند، بالخصوص انگشت را به سوی جمهوری اسلامی ایران نشانه می گرفتند که در مورد این مسئله برخورد سیاسی داشت و در مباحث آن مسایل غلیظ سیاسی را نیز خلط می نمود. همان است که در آغاز دهه ۹۰ مساعی بعضی از کشور های اسلامی جهت طرح و صدور یک اعلامیه جداگانه حقوق بشر اسلامی به راه می افتد.

پروژه یا مسوده این سند در سال ۱۴۱۰ ه ق یا ۱۹۸۹ میلادی در ۳۲ ماده به کنفرانس کشور های اسلامی در تهران ارائه شد، اما بنابر بحث های جدی پیرامون مواد آن پروژه و تفاوت های نظر بعضی از نمایندگان به تصویب نهایی نه رسید. بالاخره این مسوده در کنفرانس کشور های اسلامی منعقد قاهره در مصر مورد مباحثات سازنده و جدی قرار داده شد؛ که ۳۲ ماده قبلی به ۲۵ ماده تلخیص و اصلاح شده و بخشی از نص مواد مسوده قبلی در مواد دیگر آن جابجا گردید و در نهایت به تاریخ ۱۴ ماه محرم ۱۴۱۱ ه ق مصادف با پنجم ماه اگست ۱۹۹۰ تحت سرنامه «اعلامیه اسلامی حقوق بشر» به تصویب نوزده همین کنفرانس وزرای خارجه کشور های اسلامی رسید، این سند به نام های "اعلامیه اسلامی حقوق بشر"، "اعلامیه حقوق بشر اسلامی" و نیز "اعلامیه قاهره در باره حقوق بشر در اسلام" نیز یاد می شود. تسوید و تصویب این معاهده، کمی زمانگیر نیز بوده است.

حقوق انسان و آزادی های اساسی او در نظام حقوقی بشری اسلامی جایگاه ضعیفی ندارد طوری که ملاحظه خواهد شد، اصولی را که علمای اسلام در اعلامیه گرد آورده اند با تعابیر متعصبانه، بعضاً ایدیولوژیک و سیاست زده از ماهیت حقوق انسان در نظام حقوقی اسلامی خیلی مغایر و متفاوت است، متقابلاً عده ای بر این باور اند که این اعلامیه دارای معایبی هم خواهد بود.

در سال ۱۹۹۰ اعلامیه قاهره در باره حقوق بشر اسلامی از سوی کمیسیون وقت حقوق بشر سازمان ملل متحد (شورای حقوق بشر فعلی سازمان مذکور) مورد تأیید قرار نه گرفت. یکی از استادان علوم اسلامی ایران به نام "سید حسن اسلامی" مقاله ای دارد زیر عنوان "اعلامیه اسلامی حقوق بشر و مسئله نابرابری ها" که در آن می نویسد:

«اعلامیه اسلامی حقوق بشر، مهم ترین پاسخ رسمی کشورهای اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر به شمار می رود و تلاش شده است تا بر اساس آن متنی دارای فوائد آن اعلامیه و در همان حال تهی از نقائص آن به دست داده شود. با این همه، خوانش دقیق این اعلامیه، ما را در تحقق این اهداف مردد می سازد. در این نوشته، پس از مقدمه کوتاه از تاریخچه شکل گیری و مواد این اعلامیه، مواردی که با مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر ناسازگار است و برخی از نابرابری ها را به رسمیت شناخته، گزارش و ادله موافقان و مفسران آن نقل و تحلیل شده است. به نظر می رسد که اعلامیه اسلامی حقوق بشر، به عنوان متنی جهانی که در پی تأمین حقوق بشر است، سه دشواری اساسی دارد: اول، تأیید ضمنی برخی نابرابری ها بر اساس دین و جنسیت، دوم، به دست دادن مرجع تفسیری سیال و لغزنده. سوم، نداشتن ضمانت اجرا. این سه مسئله موجب شده است تا اعتبار این اعلامیه، عملاً به تعدادی توصیه های اخلاقی غیرالزامی، فروکاسته شود...»

از فحوای برخی نوشته ها در باره اعلامیه مورد بحث چنین درک می شود که دقیقاً اصولی که در زیر چتر آن اعلامیه اسلامی حقوق بشر مورد تفسیر و تأویل قرار داده شود، خیلی ها سیال و متنوع اند، بالخصوص تنوع قواعد و ارزیابی ها این سیالیت را به وضوح قابل دید می سازد، گرچه که در نوشته های مربوط به موضوع مورد بحث، از اتفاق نظر کامل طراحان اعلامیه یاد شده است، اما بدون شک دریافت "استاد سید حسن اسلامی" از سالیات مرجع تفسیر، خصلت همگانی بودن و عمومیت مفاد اعلامیه را تحت تأثیر قرار میدهد، زیرا استنباط از اصول شرعی نزد هر کدام از تمایلات گونه گونی دارد که تطبیق عام و یک سان مفاد اعلامیه را مخدوش ساخته و نوعی تطبیق عملی آنرا به شکل موضوعی و موضعی و حوزه یی تغییر میدهد و این باعث خواهد شد تا معنی همگانی و عمومی "حقوق بشر" در عنوان اعلامیه را تحقق نه بخشد. بعضی هم زمان توجه و انتخاب به طرح و صدور این اعلامیه را مورد پرسش قرار میدهند.

با این همه تذکرات، تا حال کمتر کشور اسلامی به این اعلامیه توجه جدی داشته است و اکثر این ممالک (به شمول جمهوری اسلامی ایران) به دو میثاق مهم بین المللی حقوق بشری (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶ اسامبله عمومی سازمان ملل متحد) پیوسته اند که حقوق انسان ها را خیلی فراتر از مندرجات اعلامیه مورد بحث گسترانیده است، در این کشور ها کمتر مورد، معامله و اقدامی را می توان دید که به مندرجات اعلامیه حقوق بشر اسلامی استناد داده شده باشد.

در باره "ضمانت اجرایی" اینکه اگر کشوری مندرجات اعلامیه حقوق بشر اسلامی را رعایت نمی کند چه عکس العملی در برابر آن به عمل آید، موضوعی است که ایجاب تحقیق جداگانه را می نماید.

نخستین رئیس جمهور، اسلامی ایران، مرحوم ابوالحسن بنی صدر کتابی نوشته زیر عنوان "حقوق بشر در اسلام" که چاپ دوم آن در سال ۱۹۸۹ م به عمل آمده است در این کتاب از متن یک مسوده یاد گردیده است که شاید همان مسوده اولی مطروحه در تهران باشد، موصوف در کتابش نتیجه میگیرد که تمام مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر در اعلامیه حقوق بشر

اسلامی (همان مسوده نخستین در تهران) مندرجند و از نگاه او گاهی هم در این اعلامیه دومی مواد بیشتری علاوه شده اند که در اصول اسلامی به چشم نمی‌خورند و بر دانشمندان توصیه نموده است که ریشه‌های این مواد اخیر را تتبع و دریابند. علی‌الرغم این همه مباحث، این سند در جمله اسناد حقوق بشری بین‌المللی ثبت بوده و تیولوژیست‌ها و علمای دینی دست‌اندر کار اعلامیه ممالک عضو سازمان کنفرانس اسلامی آنرا ارزیابی نموده و درغنی‌سازی آن سهم گرفته‌اند. اعلامیه از حقوق فردی، مصونیت‌های فردی حیات، حقوق فامیل، مسکن، ملکیت، اخلاقیات، اعتقادات، آزادی رسانه‌یی، حکومت‌انتخابی، رد استعمار، سلطه ملل مسلمان بر منابع طبیعی شان و... متذکر شده است.

برخی از محققان را عقیده‌بر این است که وقتی به مواد و مفاد اعلامیه اسلامی حقوق بشریه دقت نگاه عمیق انداخته شود، ملاحظه خواهد شد که در این اعلامیه مواد و مفاد زیادی هم‌اند که انفاذ و تحقق آن در بعضی از کشور‌های اسلامی استبداد زده و مختنق غنیمتی شمرده می‌شوند، چه با تطبیق مواد آن، حاکمیت‌های آن ممالک متوجه این امر میگردند تا حدودی از حقوق بنیادی و اساسی مردم‌شان مواظبت بنمایند و در حراست از حقوق اساسی و انسانی‌بندگان خدا خویش را مسئول دانسته و آن حقوق را حرمت گذاشته و مراعات کنند.

به‌طور نمونه چند ماده از اعلامیه مورد نظر در این جا یاد آوری میگردد :

«ماده یک :

الف (بشر به‌طور کلی، یک خانواده می‌باشند که بندگی نسبت به خداوند و فرزندگی نسبت به آدم‌ان‌ها را گرد آورده و همه مردم دراصل شرافت انسانی و تکلیف و مسؤولیت برابرد بدون هر گونه تبعیضی از لحاظ نژاد، یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره.

ضمناً عقیده صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان می‌باشد...

ماده دوم:

الف (زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است، و بر همه افراد و جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و جایز نیست کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی.

ب (استفاده از وسیله‌ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت به‌طور کلی یا جزئی گردد، ممنوع است.

ج (پاسداری از ادامه زندگی بشریت تا هر جائیکه خداوند مشیت نماید، وظیفه‌ای شرعی می‌باشد.

د (حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی‌احترامی به آن جایز نیست کما این که جایز نیست لمس کردن آن مگر با مجوز شرعی. و بر دولت است حمایت از این امر.

ماده نهم:

الف (طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب است بر جامعه و دولت، و بر دولت لازم است که راه‌ها و وسائل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آن را به گونه‌ای که مصلحت جامعه را بر آورد، تأمین نماید و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت بکار گیرد...

ماده یازدهم:

الف (انسان آزاد متولد می‌شود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد، مگر خدای تعالی.

ب (استعمار به انواع گوناگونش و به اعتبار این که بدترین نوع بردگی است، شدیداً تحریم می‌شود و ملت‌هایی که از آن رنج می‌کشند حق دارند از آن رهایی یافته و سرنوشت خویش را تعیین کنند. همه دول و ملل نیز موظف‌اند از این گروه در

مبارزه علیه نابودی هر استعمار و اشغال یاری نمایند. همه ملت‌ها نیز حق حفظ شخصیت مستقل و سلطه خود بر منابع و ثروت‌های طبیعی را دارند.

ماده شانزدهم:

... **ج** (دولت مکلف است حق هر انسانی را در زندگی شرافتمندانه ای که بتواند از طریق آن مایحتاج خود و خانواده‌اش را بر آورده سازد و شامل خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و درمان و سایر نیازهای اساسی می‌شود تضمین نماید.

ماده هجدهم:

الف (هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش، در آسودگی زندگی کند.
ب (هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او و مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این شؤون حمایت شود.

ج (مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد، و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود...»
متن کامل اعلامیه حقوق بشر اسلامی به نشر گذاشته خواهد شد.

پایان

www.hogooq.eu